

برنام‌ها

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

# کودک‌ورشدشاپزده

دکتر دیوید ال‌کایند

مترجم: سحر مقصودی

[www.saberinbooks.ir](http://www.saberinbooks.ir)

Elkind, David

الکاینده، دیوید، ۱۹۳۱

: کودک و رشد شتابزده / دیوید الکاینده؛ مترجم سحر مقصودی.

: تهران، صابرین، کتاب‌های دانه، ۱۴۰۰.

: ۳۸۷ص.

: کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان.

: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۵-۵۳-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

The Hurried Child: Growing Up too Fast too Soon, 2007

: عنوان اصلی:

: نمایه.

Stress in Children -- فشار روانی در کودکان

Child Mental Health -- بهداشت روانی

Child Rearing -- کودک‌پروری

: مقصودی، سحر، ۱۳۶۷ - مترجم.

: BF۷۲۳

: ۳۰۵/۲۳

: ۸۵۵۲۹۹

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



کتابهای دانه

مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

کودک و رشد شتابزده

دکتر دیوید الکاینده

سحر مقصودی

مژده هاشمی

فاطمه بابایی

بابک کثیری

۱۴۰۰

۱۵۰۰

باران

اکسیر

پژمان

مترجم

ویراستار

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی

اجرای طرح جلد

چاپ اول

تعداد

لیتوگرافی

چاپ جلد

چاپ متن و صحافی

۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۵-۵۳-۷ : شابک

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت ۱۰۰۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	۵
.....	مقدمه‌ای بر بیست و پنجمین سالگرد انتشار	۷
.....	مقدمه‌ای بر ویرایش سوم	۱۹
.....	مقدمه‌ای بر نسخه ویرایش شده	۲۵
.....		
.....	بخش ۱: کودکان شتاب زده ما	۳۷
.....	۱. کودکان شتاب زده ما	۳۹
.....	۲. مؤلفه‌های شتاب زدگی: والدین	۶۸
.....	۳. مؤلفه‌های شتاب زدگی: مدارس	۱۰۸
.....	۴. مؤلفه‌های شتاب زدگی: رسانه	۱۵۰
.....	۵. مؤلفه‌های شتاب زدگی: لپ‌ور، تحقیقات مغزی و اینترنت	۱۸۹
.....		
.....	بخش ۲: کودکان شتاب زده: کودکان مضطرب	۲۱۱
.....	۶. به آرامی بزرگ شدن	۲۱۳
.....	۷. یادگیری اجتماعی بودن	۲۴۷
.....	۸. کودکان شتاب زده: کودکان مضطرب	۲۷۸
.....	۹. چگونگی پاسخ کودکان به استرس	۳۱۳
.....	۱۰. کمک به کودکان شتاب زده	۳۴۱



۳۶۷ ..... سخن آخر

۳۶۹ ..... نمایه

## سخن ناشر

خواننده محترم کتابی که پیش روی دارید، یک جلد از «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است.

کتاب‌های این مجموعه علی‌رغم ارتباط موضوعی، هرکدام از نظر مطلب مستقل هستند. آمادگی برای زایمان، روش‌های مناسب و صحیح شیر دادن، تولد فرزند دوم، نقش پدر در تربیت کودک، پرورش کودک تیزهوش، آموختن به کودکان درباره خدا، سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، پرورش فرزندان امیدوار و موفق، کلیدهای رفتار با نوجوانان و نیز مطالب متنوع و جالب دیگری که به روش‌ها و مشکلات تربیتی کودکان و نوجوانان تا سنین بلوغ می‌پردازد، موضوع کتاب‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

روش نویسندگان کتاب‌ها، آموزش شیوه‌های کاربردی به والدین است. در نتیجه، هر کتاب از فصل‌های متعددی تشکیل شده که هر فصل به توضیح یک روش کلیدی می‌پردازد. مجموعه «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان»، علاوه بر پشتوانه علمی و معتبر خود، از زبانی ساده برای توضیح مطالب و انتقال آن‌ها به خواننده استفاده کرده است که برای عموم مادران و پدران قابل استفاده است.

کتاب «کلیدهای رفتار با کودک یک‌ساله» به بررسی مراحل رشد کودک پس از یک‌سالگی از قبیل مهارت‌های حرکتی، ارتباطی و عاطفی پرداخته است. همچنین پرسش‌هایی که برای والدین، به‌ویژه والدین جوان، غالباً پیش می‌آید، به‌صورتی دقیق و جامع مطرح شده و نحوه برخورد صحیح با مسائل و دغدغه‌های آن‌ها نیز ارائه شده است.



## مقدمه‌ای بر بیست و پنجمین سالگرد انتشار

---

تغییر در رفتار شتاب‌زده والدین، مدارس و رسانه‌ها در فاصله زمانی نوشتن این کتاب تا انتشار آن از جمله مسائلی بود که در دو ویرایش قبلی این کتاب به آن‌ها پرداختم. اکنون با در نظر گرفتن دیدگاه اجتماعی گسترده‌تر، به نوآوری‌هایی که دوران کودکی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، اشاره خواهم کرد. این نوآوری‌ها تا حدی نتیجه تأثیر رسانه‌های الکترونیکی بر زندگی ما در ربع قرن اخیر بوده‌اند.

از منظر تاریخی، ربع قرن زمان کوتاهی به حساب می‌آید. با این حال، دوره‌هایی وجود دارند که نقطه عطف تکامل اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. بیست و پنج سال گذشته، مثال بارزی از این دوره است که با پیشرفت‌های شگرف در حوزه تکنولوژی، انقلابی عظیم در شیوه زندگی و کار ما به وجود آورده است.

مارشال مک‌لوهان<sup>۱</sup>، محقق ادبیات و متخصص رسانه، قدرت اثرگذاری رسانه‌های الکترونیکی در عصر حاضر را با معرفی چاپ در قرن چهاردهم برابر می‌داند. صنعت چاپ، فرهنگ شفاهی جهان را دگرگون کرد. به عقیده مک‌لوهان، فناوری الکترونیکی، فرهنگ رسانه‌ای نوینی را پدید آورده است که با دوره قبل از خود بسیار فاصله دارد؛ این تفاوت درست همانند تقابل چاپ با دوره شفاهی است.

---

1. Marshall McLuhan

صحت کلی یا جزئی ادعای مک‌لوهان باید بررسی شود؛ اما درحقیقت، پیشرفت‌های فناوری اطلاعات طی بیست و پنج سال اخیر، نه تنها جوامع، بلکه به‌طور خاص زندگی خانواده‌ها و کودکان را نیز به‌شدت دگرگون کرده است. هنگامی که در سال ۱۹۸۱ کتاب کودک و رشد شتابزده را نوشتم، هیچ اطلاعی از انقلاب تکنولوژی پیش‌رو نداشتم. درواقع، نسخه‌ی خطی آن را با مداد روی برگه‌های زرد خط‌دار نوشتم و پس از تایپ با ماشین تحریر برقی برای ویراستار پست کردم. این مقدمه‌ی جدید را هم که در سال ۲۰۰۶ نوشتم، آن زمان در کامپیوتر تایپ کرده و از طریق اینترنت به آدرس الکترونیکی ویراستار ارسال کردم. در سال ۱۹۸۱، دغدغه‌های من برای کودکان محدود به فرهنگ همان دوره بود. در آن سال، نگرانی اصلی من مسائلی از قبیل آموزش و برنامه‌های ورزشی بودند که با در نظر نگرفتن سن کودکان باعث استرس آن‌ها می‌شدند. همچنین به موضوعاتی نظیر تأثیرات رابطه‌ی جنسی و خشونت در تلویزیون و تأثیرپذیری کودکان از موسیقی راک اندرول<sup>۱</sup> پرداختم.

از آن زمان تاکنون، این دغدغه‌ها دیگر مطرح نیستند و به عبارتی منسوخ شده‌اند. باید گفت که جامعه‌ی کنونی به‌شدت به صفحه‌نمایش وابسته شده است. تلویزیون، کامپیوتر و گوشی‌های هوشمند عضو ثابت خانه‌ها، مشاغل، رستوران‌ها و فرودگاه‌ها شده‌اند. امروزه، ما بخش اعظمی از کار، خرید، امور بانکی و حتی بازی‌های خود را به‌صورت اینترنتی انجام می‌دهیم. لپ‌تاپ‌ها، تلفن‌های همراه و بلک‌بری‌ها<sup>۲</sup>، حتی در تعطیلات نیز ارتباط ما را با دنیای اجتماعی برقرار می‌کنند. جامعه‌ی عجول و شتابزده‌ی ما که در نسخه‌ی اول این کتاب درباره‌ی آن نوشتم، با رواج گسترده‌ی رسانه‌های الکترونیکی شتابزده‌تر شده است. کامپیوترها نیز، متناسب با نیاز کاربران، در پردازش سریع‌تر و در حافظه‌ی قوی‌تر شده‌اند. امروزه، اگر مجبور شویم برای اتصال به اینترنت از خط

#### 1. Rock and Roll Music

۲. Blackberries: بلک‌بری نام تجاری تولیدکننده‌ی تلفن‌های همراه هوشمند و همچنین تلفن‌های همراه مجهز به سیستم اینترنت و پست الکترونیکی است - م.



تلفن استفاده کنیم که سرعت آن بسیار کندتر از اینترنت بی سیم است، به شدت کلافه خواهیم شد. در این بین، پیامک<sup>۱</sup> نیز به خدمات قبلی اضافه شد و اکنون به عنوان وسیله ارتباطی رایجی با تلفن رقابت می کند.

باید گفت که رسانه های الکترونیکی با تقویت توانایی ما برای انجام سریع کارها، جامعه را شتاب زده کرده اند. در واقع، این شتاب زدگی خواه ناخواه بر تربیت کودک ما اثر خواهد گذاشت. ماهیت انقلابی بیست و پنج سال گذشته، باعث پدید آمدن حداقل پنج نوآوری در زندگی کودکان شده است. طی دهه های اخیر، زندگی کودکان تغییرات زیادی کرده است که این روند همچنان ادامه دارد. از بسیاری جهات، فناوری های نوین این تحولات را در دوره کودکی به وجود آورده اند که همیشه سمت و سوی مثبت نداشته است.

### آموزش نوزادان

از منظر رشد کودک، شاید مهم ترین تحول، توجه اخیر به برانگیختن حواس نوزادان و خردسالان باشد، نوزادی و کودکی اکنون نقطه آغاز شتاب زدگی است. طی بیست و پنج سال گذشته، انبوهی از برنامه ها با هدف تحریک و آموزش نوزادان، کودکان و حتی جنین در رحم مادر طراحی شده اند. چندی پیش، با تبلیغی مواجه شدم با این عنوان که شرکت بیبی پلاس<sup>۲</sup> کیسه ای پارچه ای طراحی کرده است که به شکم مادر متصل می شود و صداهای ریتمیک شبیه تپش قلب مادر تولید می کند. این شرکت مدعی است که «با پیشرفت بارداری، ریتم صداهای تدریج افزایش می یابد و در واقع تکرار این الگوها که بر اساس ریتم طبیعی محیط جنین طراحی شده اند، روند یادگیری مرحله به مرحله را به فرزند شما می آموزد.»

اگرچه تحقیقات کافی برای اثبات سودمندی این برنامه ها یا وسایل صورت نگرفته، این امر مانع منفعت طلبی تبلیغ کنندگان نشده است. به عنوان مثال، در

1. Instant Messaging (IM)

2. BabyPlus

تبلیغ این کیسه گفته می‌شود: «نوزادان و کودکانی که در جنینی، مادرانشان از بیبی پلاس استفاده کرده‌اند، تولد راحت‌تری دارند، با چشم و دستان باز متولد می‌شوند و کمتر بی‌قراری می‌کنند.» آن‌ها همچنین مدعی هستند که «نمودار رشد این کودکان طبیعی‌تر است.» و «تمرکز و توجه بهتری دارند.»

از آن‌سو، تبلیغ محصولات شرکت آتلتیک‌بیبی<sup>۱</sup> برای نوزادان - و نه برای جنین - به همان اندازه رونق دارد. در تبلیغ این شرکت آمده است: «با خرید محصولات ما، مجموعه‌ای هیجان‌انگیز از تصاویر ورزشی، عروسک‌ها و کودکان خردسال شاد و پرتحرک خواهید داشت که در عین سرگرم کردن نوزادان و کودکان، الهام‌بخش آن‌ها در انجام دادن فعالیت‌های بدنی و انواع ورزش‌ها از جمله بسکتبال، فوتبال، تنیس، بیسبال و گلف خواهد بود.» من هنوز به‌طور مشخص متوجه دستاورد نوزادان و کودکان نوپا از تماشای بسکتبال، فوتبال و تنیس نشده‌ام.

این برنامه‌ها فقط نمونه کوچکی از تبلیغات فریبنده شرکت‌هاست. دی‌وی‌دی‌های بیبی انیشتین<sup>۲</sup>، محصولات آموزشی لپ‌فراگ<sup>۳</sup> و سایر برنامه‌های کامپیوتری برای نوزادان و کودکان نوپا، امروزه در دسترس خانواده‌ها قرار دارند. به این برنامه‌ها لپ‌ور<sup>۴</sup> گفته می‌شود، زیرا حین استفاده از آن‌ها قرار است نوزاد روی پای پدر یا مادرش بنشیند و روی ماوسی که دوبرابر اندازه دست خودش است، ضربه بزند و در پی آن تصویری در صفحه‌نمایش تغییر کند. صحت این ادعاهای تبلیغاتی همانند بیبی پلاس و آتلتیک‌بیبی هنوز تأیید نشده‌اند.

با وجود این، آموزش و برانگیختن حواس نوزادان و کودکان بازار بسیار داغی دارد. امروزه، دی‌وی‌دی‌های آموزشی، فیلم‌ها، برنامه‌های کامپیوتری و

#### 1. AthleticBaby

۲. Baby Einstein: مجموعه نرم‌افزار آموزشی برای کودکان شش ماهه تا نه‌ساله - م.

۳. LeapFrog: از محصولات آموزشی زبان انگلیسی برای کودکان - م.

۴. Lapware: نرم‌افزار طراحی شده برای سرگرمی کودکان و نوزادان - م.

کلاس‌های ورزشی برای خردسالان به صنعتی عظیم بدل شده است. تنها بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، فروش نسخه‌آشنایی با اعداد بیبی انیشتین<sup>۱</sup> و نرم‌افزار کودک باهوش چپ‌مغز<sup>۲</sup> سه برابر شد و به رقم صدمیلیون دلار رسید. بازار «برنامه‌های تلویزیونی و ویدیویی» که برای کودکان شش ماهه تا پنج‌ساله طراحی شده، بسیار گرم و پررونق است. باتوجه به اینکه سالانه چهارمیلیون نوزاد در امریکا متولد می‌شوند، استفانی پرانگ<sup>۳</sup>، ویراستار اجرایی مجله‌ صنعت تصویر<sup>۴</sup>، می‌گوید: «می‌توان برای همیشه از این بازار بهره‌برداری کرد.» محبوبیت این برنامه‌ها با ورود کامپیوتر و دستگاه‌های ضبط و پخش ویدئو به داخل خانه‌ها افزایش یافت. فناوری‌های جدید به شدت نوزادان و کودکان را به خود مشغول کرده و نسبت به آن دوره که پسر من با دستگاه ضبط و پخش سرگرم می‌شد، همه چیز به کلی تغییر کرده است. امروزه، دی‌وی‌دی‌ها بسیار پرطرفدار هستند، زیرا با فراهم کردن جذابیت سمعی و بصری می‌توانند ساعت‌ها برنامه پخش کنند. همچنین مجموعه برنامه‌های طراحی شده برای این رسانه به قدری متنوع است که حتی فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی قدیمی را دربرگرفته و به راحتی در خانه قابل پخش هستند.

تنوع و فراوانی این محصولات و برنامه‌ها برای نوزادان و کودکان، والدین را با چالشی بزرگ روبه‌رو کرده است. ازیک‌سو، کودک با تماشای کارتون یا برنامه موردعلاقه‌اش سرگرم می‌شود و والدین به راحتی می‌توانند به کارهای خود رسیدگی کنند. از سوی دیگر، ما واقعاً نمی‌دانیم که چنین برنامه‌هایی چه تأثیری روی نوزادان و کودکان دارند و آیا واقعاً به سیستم نابالغ بینایی و شنوایی آن‌ها صدمه می‌زند یا خیر. همچنین این خطر وجود دارد که تماشای تلویزیون می‌تواند باعث ایجاد عادات انفعالی شود و در آینده کودک را در زمینه یادگیری فعال و بازی دچار مشکل کند.

---

1. Baby Einstein's Number Nursery

2. Brainy Baby Company's Left Brain

3. Stephanie Prange

4. Video Store Magazine

اگرچه احتمالاً تماشای محدود تلویزیون مضر نخواهد بود، هرگز نباید جایگزین فعالیت‌های کودک شود. این برنامه‌ها خطرهایی دارند، زیرا شاید والدین تصور کنند تماشای آن‌ها ارزشمندتر از زمانی است که با کودکان صرف می‌کنند، حرف می‌زنند، آواز می‌خوانند یا بازی می‌کنند؛ اما در واقع این طور نیست. بزرگ‌ترین هدیه‌ای که والدین می‌توانند به کودکان خود بدهند، شرکت دادن فعالانه آن‌ها در امور مختلف و معنادار است. بدیهی است که این نوع تعامل اهمیت ویژه‌ای دارد.

### مراقبت‌های خارج از خانه برای کودکان

اگرچه پیشرفت‌های بیست و پنج سال گذشته با تغییر ماهیت آموزش نوزادان در ارتباط است، باید به صورت جداگانه و مستقل بررسی شوند. در سال ۱۹۷۱، کنگره آمریکا قانون جامع رشد و پرورش کودکان (CCDA)<sup>۱</sup> را تصویب کرد که به موجب آن شرکت در برنامه‌های مراکز فدرال برای رسیدگی به امور کودکان پیش‌دبستانی، تقریباً برای تمام آن‌ها، در سراسر آمریکا اجباری شد. نیکسون، رئیس‌جمهور وقت، این قانون را وتو کرد و در پیام خود اظهار داشت: «این اقدام، دولت آمریکا را متضمن مسئولیتی سنگین و اخلاقی می‌کند و در مقوله فرزندپروری رویکرد خانواده‌محور را به امری مشارکتی بدل می‌سازد.» استدلال او این بود که بیرون آوردن کودکان از خانه و قرار دادن آن‌ها در مراکز مراقبت روزانه، «خانواده آمریکایی» را نابود می‌کند. از آن زمان، تغییرات زیادی رخ داده و نگرش‌های منفی ما در مورد مراقبت‌های خارج از خانه توسط افرادی غیر از والدین و نزدیکان از بین رفته است. امروزه، ۱۲/۵ میلیون کودک و به عبارتی ۶۳ درصد کودکان زیر پنج سال در آمریکا هر هفته تحت نوعی از مراقبت قرار می‌گیرند. به طور متوسط، کودکان زیر پنج سال با مادران شاغل، در هفته ۳۶ ساعت را خارج از خانه تحت مراقبت هستند.

1. Comprehensive Child Development Act (CCDA)

کیفیت مراقبت‌های ارائه‌شده در این مراکز برای نوزادان و کودکان بسیار حائز اهمیت است، زیرا محیط تمیز و مرتب، مربیان آموزش‌دیده و تعداد مناسب کودکان از مختصات فضای مناسب برای بالندگی آن‌هاست. مراکزی که دارای استانداردهای لازم نباشند، قطعاً آثار سوئی به همراه خواهند داشت. این رویکرد جدید و پذیرفته‌شده در رابطه با مراقبت خارج از خانه برای کودکان، مسئله‌ای اجتماعی و ضروری است که باید قانون‌گذاران توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند. یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها در جامعه امروزی، فراهم کردن خدمات مراقبت از کودک است که مقرون به صرفه، باکیفیت و در دسترس برای همه والدینی باشد که به آن نیاز دارند. در مقایسه با آمریکا، سایر کشورها اقدامات کارآمدتری در این زمینه انجام داده‌اند. برای صحبت از نوآوری بعدی باید به بحث درباره قاعده‌مند کردن محصولات عرضه‌شده به کودکان بپردازیم.

### کودک به عنوان مصرف‌کننده

در ارتباط با انبوه برنامه‌های طراحی شده برای جنین، نوزادان و کودکان نوپا، همچنین رواج مراقبت‌های خارج از خانه برای این گروه سنی، سومین نوآوری با همان قدرت کودکان بزرگ‌تر را هدف قرار داده است. این نوآوری بر درک نوین از کودک امروزی است که طی چندین سال گذشته پدید آمده است. پیوریتن<sup>۱</sup> معتقد بودند که کودک گناهکار متولد می‌شود و باید از گناه پاک گردد. انقلاب داروینی<sup>۲</sup> منجر به رویکردی انسانی به کودک به عنوان موجودی کوچک شد. از آن پس، رویکرد به این مقوله متحول شد و مردم معتقد بودند همانند بچه‌های تازه متولدشده از هر گونه دیگری، نوزاد آدمی ذاتاً بی‌گناه، عاشق بازی و نیازمند حمایت است. هم‌زمان با انقلاب‌های اجتماعی در دهه ۶۰ میلادی، کودک به عنوان فردی توانمند، آماده و قادر به کنار آمدن با همه فراز

۱. Puritan: گروهی از پروتستان‌های انگلیسی در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی

و نشیب‌های زندگی دیده شد. او دیگر می‌توانست با طلاق، مراقبت‌های روزانه خارج از خانه و طولانی، والدین شاغل، هجوم رسانه‌ها و مواردی از این دست بهتر سازگاری یابد.

طی چند دهه گذشته، حداقل برای کسانی که محصولات برای کودکان تولید می‌کردند، درک جدیدی از کودک شکل گرفته و آن «ایده کودک به عنوان مصرف‌کننده» است. این تغییر رویکرد به جایگاه کودکان، نشان‌دهنده تغییر در ارزش‌های ساختاری است. این تصورات از کودکان به عنوان گناهگار، بی‌گناه یا توانمند، چه درست باشند و چه غلط، همگی ناشی از نگرانی برای سلامتی و رفاه کودک بود. در مقابل، پذیرش کودک به عنوان مصرف‌کننده، ریشه در انگیزه‌های منفعت‌طلبانه کسانی دارد که به تجارت در حوزه کودکان مشغول هستند.

سوءاستفاده تجاری از کودکان اخیراً موضوع داغ بسیاری از کتب علمی و پرطرفدار شده است. جامعه‌شناس، گری کراس<sup>۱</sup>، در کتاب *بچه‌ها، اسباب‌بازی‌ها و دنیای کودکی دگرگون‌شده آمریکایی*<sup>۲</sup> توضیح می‌دهد که چگونه سازندگان اسباب‌بازی‌ها در ساخت محصولات خود به جای توجه به ارزش‌های والدین، به دنبال برآورده کردن خواسته‌های کودکان هستند. روزنامه‌نگار، آلیسا کوارت<sup>۳</sup> در کتاب خود با عنوان *مارک‌دار*<sup>۴</sup> به این موضوع می‌پردازد که چگونه نوجوانان و جوانان فریفته مارک کالاها می‌شوند. روان‌شناس، سوزان لین<sup>۵</sup>، اخیراً در کتاب خود با عنوان *کودکان مصرف‌گرا: تصرف خصمانه کودکی*<sup>۶</sup> از بسیاری از تاکتیک‌های ناعادلانه سوداگران برای فروش محصولات خود به کودکان پرده برمی‌دارد. روان‌شناس، جولیت بی.

1. Gary Criss

2. Kids' Stuff: Toys and the Changing World of American Childhood

3. Alissa Quart

4. Branded

5. Susan Linn

6. Consuming Kids: The Hostile Takeover of Childhood

شور<sup>۱</sup>، در کتاب زاده شده برای خرید<sup>۲</sup> به خوبی نشان می‌دهد که چگونه دنیای کودکی در محاصره تجاری‌سازی و تبلیغات درآمدی است؛ تا آنجا که حتی دختران پیشاهنگ نیز هم‌دست شده‌اند و برای اردو، مراکز خرید را انتخاب می‌کنند. این امر روند شوم از تحریک افتادن کودکان را آشکار می‌کند.

### دوران کودکی در فضای بسته

نوآوری چهارم که با فناوری و سوءاستفاده تجاری از کودکان ارتباط دارد، افزایش بی‌رویه بازی‌های ویدئویی و شبکه‌های تلویزیونی برای آن‌هاست. در دهه ۱۹۶۰، فقط هفته‌ای ۲۷ ساعت برای کودکان برنامه می‌ساختند که اغلب آن‌ها شب‌ها پخش می‌شد، اما امروزه چهار شبکه وجود دارد که کودکان را ۲۴ ساعت درگیر برنامه‌های مختلف می‌کنند. بر اساس مطالعه اخیر بنیاد خانواده کایزر<sup>۳</sup>، پیش دبستانی‌ها به همان میزان که خارج از خانه بازی می‌کنند، وقت خود را با دیدن برنامه‌های تلویزیونی و کامپیوتری می‌گذرانند که این سه برابر بیشتر از زمانی است که صرف مطالعه می‌شود. در گزارش دیگری از همین بنیاد آمده است که کودکان بزرگ‌تر بین هشت تا هجده سال به‌طور متوسط روزانه ۶ ساعت از رسانه‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند و از آنجا که غالباً در بیش از یک رسانه به‌طور هم‌زمان عضو هستند، این زمان به ۸ ساعت در روز افزایش می‌یابد. در عوض، زمان بچه‌ها برای دوچرخه‌سواری و انجام دادن سایر فعالیت‌های فیزیکی در فضای باز نسبت به چند دهه قبل بسیار کاهش یافته است. به عبارت دیگر، کودکان به شدت بی‌تحرك شده‌اند و چاقی و دیابت نوع دو از تهدیدات جدی برای سلامتی آن‌ها به شمار می‌آید.

زمانی که این کتاب را می‌نوشتیم، بیشتر نگران استرس وارد شده به کودکان و پیامدهای آن برای سلامت روان‌شان بودیم، اما امروزه، فناوری‌های جدید سبک زندگی را دگرگون ساخته‌اند و بی‌تحركی، تهدیدی جدی برای سلامت جسمی

1. Juliet B. Schor

2. Born to Buy

۳. Kaiser Family Foundation: مؤسسه‌ای غیردولتی در آمریکا برای بهبود سلامت - م.

کودکان نیز به شمار می‌آید. اگرچه گفته می‌شود بسیاری از مدارس حجم تکالیف کودکان را افزایش داده و از زنگ تفریح آنان کاسته‌اند، متأسفانه باید گفت که هیچ‌یک از این ادعاها صحیح نیست. بین ۸۳ تا ۸۶ درصد کودکان، روزانه تا نیم ساعت زنگ تفریح دارند. علاوه بر این، طبق گفته تام لاولس<sup>۱</sup> از مؤسسه بروکینگز<sup>۲</sup> (سازمان مستقل و غیرانتفاعی پژوهش و سیاست‌گذاری)، اغلب کودکان در تمام سطوح سنی روزانه کمتر از یک ساعت مطالعه می‌کنند و این میزان در بیست سال گذشته تغییر چندانی نکرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد کودکان به اندازه گذشته اوقات فراغت دارند. مسئله اینجاست که این وقت آزاد، چه در زمین بازی مدرسه و چه در خانه، به چه صورت سپری می‌شود. پاسخ کاملاً روشن است. طبق یکی از تحقیقات دانشگاه میشیگان<sup>۳</sup>، تعداد دقیقی که کودکان اوقات فراغت منفعل داشته‌اند، طی بیست سال گذشته از سی دقیقه به بیش از سه ساعت رسیده و به عبارتی پنج‌برابر شده است. این اوقات شامل زمان صرف‌شده برای تماشای تلویزیون نمی‌شود، اما تماشای ورزش در سالن را در بر می‌گیرد.

### دانش‌آموزان متخصص فناوری

پنجمین و آخرین نوآوری در ربع قرن گذشته، به اعتقاد من موضوعی مثبت و سودمند است و ما را به آینده فرزندانمان در جامعه امیدوارتر می‌کند: ورود فناوری‌های کامپیوتری و برنامه‌نویسی به مدارس. اصلاحات در آموزش و پرورش می‌توانند به مدد ایده‌ها یا فناوری به وجود آیند. در گذشته نزدیک، ایده‌ها زیاد موفق نبوده‌اند. در دهه‌های گذشته حدود چهل اصلاح آموزشی (جنبش اصلاح برنامه‌های درسی در دهه ۶۰ میلادی، جنبش «بازگشت به اصول» در دهه ۷۰ میلادی یا حتی الگوی یادگیری مشارکتی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰) معرفی شده‌اند که همگی یا عمر مفید کوتاهی داشته یا

1. Tom Loveless

2. Brookings Institution

3. University of Michigan



به‌طور گسترده و مؤثر اجرا نشده‌اند. مبحث تکنولوژی کامپیوتر متفاوت است و می‌تواند تحولی واقعی و پایدار در سیستم آموزشی ما ایجاد کند.

من با این مطلب موافقم، زیرا کامپیوتر بنیان فکری ما را در حیطه آموزش متحول می‌سازد. در درجه اول باید گفت که کامپیوترها - در مدارس که به این فناوری دسترسی کامل دارند - می‌توانند شرایط یکسان آموزشی را برای تمام دانش‌آموزان فراهم آورند. رابطه معلم و کودک را در نظر بگیرید. امروزه، کودکان در معلومات کامپیوتری و فناوری اطلاعات از برخی معلمان خود پیشی گرفته‌اند یا در سطح برابر هستند. علاوه بر این، به مدد اینترنت، کودکان به دنیای گسترده‌ای از اطلاعات دسترسی دارند و با استفاده از آن می‌توانند آنچه را در مدرسه می‌آموزند، تقویت کنند. در درجه دوم، برخی فناوری‌های کامپیوتری، مانند شبیه‌سازی، می‌توانند شیوه آموزش موضوعات را تغییر دهند. به‌عنوان مثال، اکنون دانش‌آموزان می‌توانند صحنه جنگ‌های داخلی<sup>۱</sup>، تب طلا<sup>۲</sup> و حتی زلزله سان‌فرانسیسکو<sup>۳</sup> در سال ۱۹۰۶ را در کلاس‌های تاریخ خود بازآفرینی کنند. بازسازی تصاویر به این شیوه، به مراتب جذاب‌تر از خواندن درباره آن‌ها در کلاس درس است. در درجه سوم، بسیاری از تکنیک‌های کشف و حل مسئله که از بازی کردن آموخته می‌شوند، می‌توانند با برنامه‌های درسی ترکیب شوند تا یادگیری به صورت تعاملی درآمده و جذاب شود. در نهایت باید گفت که برنامه‌های کامپیوتری می‌توانند برای الگوهای مختلف توانایی و سبک‌های متنوع یادگیری طراحی شوند و تفاوت‌های فردی را به‌گونه‌ای در نظر گیرند که تا کنون کتب درسی هرگز قادر به انجام دادن آن نبوده‌اند. به اعتقاد من، انقلاب آینده در حوزه آموزش جلوی برخی سوءاستفاده‌های تجاری از دوران کودکی را خواهد گرفت. بدون تردید، تهدیداتی نیز در استفاده از تکنولوژی‌های جدید وجود دارد که هم می‌تواند به ضرر ما باشد و هم به نفع ما. من معتقدم وقتی به لطف فناوری به کودکان اجازه

1. Civil War

2. The Gold Rush

3. San Francisco

می‌دهیم که به‌طور فعال در امر آموزش خود شرکت کنند، تهدیدات مربوط به انقلاب در آموزش کاهش یافته و فواید آن افزایش می‌یابد.

### همیشه در حال تغییر، همیشه به‌طور ثابت

ضمن تأکید بر تغییراتی که از چاپ اول این کتاب به‌وجود آمده است، بنده باید به محتوایی که همچنان در ماهیت خود ثابت مانده‌اند، اشاره کنم. هنوز یک مادر نه ماه فرزند خود را در شکمش حمل می‌کند. با همه تلاش‌هایی که شده است تا راه رفتن، حرف زدن، خواندن و نوشتن را زودتر به کودکانمان بیاموزیم، اما هنوز هم در همان سنین گذشته این اعمال را یاد می‌گیرند. والدین هنوز تأثیر اصلی را بر پیشرفت کلی فرزندشان دارند و کودکان هنوز هم به عشق، حمایت و وضع قوانین و محدودیت‌ها توسط ما نیازمندند. آنچه اکنون فقدان آن هستیم، اهمیتی است که برای رشد سالم روحی، عاطفی و اجتماعی کودکان قائل شده‌ایم؛ اگرچه اغلب تلاش در این حوزه توسط نوآوری‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد به نتیجه نمی‌رسند. در اولین چاپ این کتاب، در پایان آورده بودم: «کودکی کردن اساسی‌ترین حق کودکان است.» اکنون با توجه به گذر زمان متوجه شده‌ام که باید جمله خود را این‌گونه اصلاح کنم: «کودکی شاد و فعال اساسی‌ترین حق کودکان است.»

## مقدمه‌ای بر ویرایش سوم

---

زمانی که ویرایش سوم این کتاب را شروع کردم، تماس یکی از خبرنگاران من را برای این کار مصمم تر کرد. خبرنگار می‌خواست نظر من را راجع به اختلاف نظر دو مادر درباره دختران شش ساله‌شان بداند، زیرا این مورد مثال کوچکی از روابط بین والدین و دختر بچه‌هایشان بود. یکی از مادران به دخترش اجازه می‌داد که آرایش کند و لباس‌های جذاب بپوشد و مادر دیگر معتقد بود که دخترش اجازه این کار را ندارد و باید رفتار و پوشش او مناسب سنش باشد. استدلال مادر اول این بود که دخترش با این کار سرگرم است و زمانی که بزرگ تر شود، دیگر به او اجازه این کار را نخواهد داد.

پاسخ من به خبرنگار قابل پیش‌بینی بود. هیچ دلیلی ندارد که کودکی شش ساله آرایش کند و لباس نامناسب بپوشد. اگر دختر بچه‌ای بخواهد مثل بزرگ‌ترها باشد، می‌تواند از رژ لب مادرش استفاده کند و کفش‌های پاشنه بلند او را بپوشد؛ اما آرایش غلیظ و پوشیدن لباس نامناسب به هیچ‌عنوان کار درستی نیست و این امر در آینده بسیار دردسرساز خواهد شد. اولاً اینکه کودک با این رفتار از هم‌سن و سالانش دور می‌شود؛ دوم، زمانی که در کودکی اجازه این کار را داشته باشد، به سختی می‌توان در آینده او را از انجامش منع کرد؛ سوم اینکه، افراد بیمار زیادی در جامعه وجود دارند که با دیدن دختری در این پوشش تحریک می‌شوند و این خود خطرهای جدی در پی خواهد داشت. بنابراین، هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای آرایش و پوشش نامناسب کودکان نمی‌بینم.

### ادامه فشارهای قدیمی

این مثال نشان می‌دهد که با ورود به هزاره جدید، فشارهای قدیمی برای زودتر بزرگ شدن کودکان ادامه دارد. بسیاری از مشکلاتی که در ویرایش دوم راجع به آن‌ها نوشتم، پیچیده‌تر شده‌اند. تأکید بر مفهوم شایستگی کودکان که در دهه‌های گذشته عامل اصلی شتاب‌زدگی رشد بود، امروزه هم وجود دارد. والدین بیش از هر زمان دیگری فرزندان خود را درگیر فعالیت‌های مختلف می‌کنند؛ نظیر ورزش‌ها یا کلاس‌هایی که مناسب سن کودکان نیست. متأسفانه مدارس در دهه گذشته مدام کودکان را با آزمون‌های مختلف محک زده و آن‌ها را کلافه می‌کنند. حتی کار به آنجا رسیده است که امروزه برخی مهدکودک‌ها نیز آزمون ورودی دارند! در این بین، فشار رسانه‌ها برای تبدیل کردن کودکان به مصرف‌کننده نیز بسیار زیاد شده است. در نامه‌ای به نامزدهای ریاست جمهوری، آل‌گور<sup>۱</sup> و جورج دبلیو بوش<sup>۲</sup>، که توسط طیف گسترده‌ای از متخصصان امضا شد، آمده است:

در شرایطی که اضافه‌وزن کودکان یکی از اصلی‌ترین معضلات سلامتی آن‌ها به‌شمار می‌آید، خوراکی‌های ناسالم با چربی، قند و کالری زیاد، بیشترین تبلیغات را در زمان تلویزیون تماشا کردن کودکان پخش می‌کنند. مطالعات حاکی از آن است که چاقی با تماشای تلویزیون ارتباط دارد و به‌نظر می‌رسد که کودکان چاق به میزان بیشتری فریفته تبلیغات مواد غذایی می‌شوند.

ترکیب رسانه و شیوه‌های مجازی و نامحدود بازاریابی باور عموم را به این سمت سوق می‌دهد که در چنین شرایطی والدین نمی‌توانند فرزندان خود را از هجوم تجاری‌سازی و تبلیغات دور کنند. در واقع، این امر به‌حدی اجتناب‌ناپذیر است که شاید تنها چاره آن زندگی در جنگل باشد! والدین ممکن است بتوانند

---

1. Al Gore

2. George W. Bush

تا حدودی جلوی آثار مخرب تبلیغات و بازاریابی را در خانه بگیرند؛ اما باز هم کودکان در خانه دوستان، خیابان، زمین بازی، سوپرمارکت‌ها و حتی مدرسه در معرض آن‌ها قرار خواهند گرفت.

لقای خشونت با همین تبلیغات به کودکان و نوجوانان نیز نسبت به زمانی که آخرین ویرایش را انجام دادم بیشتر شده است. این موضوع اخیراً در گزارشی از سوی کمیسیون تجارت فدرال آمریکا<sup>۱</sup> در سپتامبر سال ۲۰۰۰ منتشر شد. این گزارش حاکی از آن است که:

چگونه صنعت سرگرمی عمداً سیستم رتبه‌بندی محدودیت سنی را نادیده گرفته است و موسیقی، فیلم و بازی‌های ویدئویی خشن را مستقیماً به کودکان زیر سن قانونی عرضه می‌کند. طبق این گزارش، دست‌های پشت پرده در حال برنامه‌ریزی برای استفاده از دختران و پسران پیشاهنگ، کلاب‌های شبانه‌روزی، کتاب‌های طنز و حتی مجلات مدارس برای فروش محصولاتی هستند که خود این صنعت برای کودکان زیر هفده سال نامناسب عنوان کرده است.

بر مبنای این گزارش، هدف هشتاد درصد فیلم‌های رتبه R<sup>۲</sup>، کودکان زیر سن قانونی هستند. البته این همه ماجرا نیست؛ نزدیک به سی درصد موسیقی‌ها در عین داشتن محتوای نامناسب و هفتاد درصد بازی‌های ویدئویی «بزرگسالان»، نوجوانان را مخاطب قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال، فیلمی با رتبه‌بندی R با تمرکز بر کودکان گروه سنی ده تا دوازده سال در بازار ارزیابی شد.

با توجه به فشارهایی که به کودکان وارد می‌شود تا زودتر بزرگ شوند، به نظر می‌رسد که بخش‌هایی از این کتاب که به والدین، مدارس و رسانه‌ها می‌پردازند، باید به‌روز شوند. بنابراین، در بخش والدین مبحثی درباره فشار والدین گروه همسالان اضافه کرده‌ام. بعد از صحبت با والدین بسیاری در

---

#### 1. Federal Trade Commission

۲. R-Rated Movies: فیلم‌هایی که به‌لحاظ داشتن صحنه‌های نامناسب برای افراد زیر هفده سال ممنوع هستند - م.

سرتاسر آمریکا، متوجه شدم که خیلی از آن‌ها واقعاً تمایل ندارند که در رشد فرزندان‌شان عجله کنند، بلکه فقط برای آنچه سایر پدر و مادرها انجام می‌دهند خود را تحت فشار می‌بینند و فرزندان‌شان را در کلاس‌های مختلف نام‌نویسی می‌کنند. این مشکل، به ویژه برای والدین فرزندان خردسال خطرناک‌تر است، زیرا تصور می‌کنند اگر فرزندان خود را در این برنامه‌ها ثبت‌نام نکنند، آن‌ها تنها مانده و هم‌بازی نخواهند داشت. من می‌خواهم خطرهای این برنامه‌ها را روشن سازم و به برخی از گزینه‌هایی که والدین دارند و نمی‌خواهند از آن‌ها استفاده کنند، اشاره کنم.

فشار و شتاب‌زدگی در مدارس موج می‌زند. داستان آزمون‌ها و امتحانات در مدارس که در نسخه دوم این کتاب به آن پرداختم، پیچیده‌تر شده است. برگزار کردن آزمون‌ها فراگیر شده، در برخی جوامع از آن‌ها به عنوان معیار پیشرفت و درجه‌بندی استفاده می‌شود. این فشار تا آنجا پیش رفته است که برخی مدارس زنگ تفریح را حذف کرده‌اند تا زمان بیشتری برای درس و امتحان باقی بماند. از سوی دیگر، نوآوری‌های مثبتی نیز به وجود آمده است. برای مثال، طرح «زمان‌بندی بسته»<sup>۱</sup> برای دانش‌آموزان دبیرستانی که فقط چهار نوبت کلاس (هر کدام به مدت یک ساعت و نیم) دارند، منجر به بهبود عملکرد خواهد شد. این طرح باعث تمرکز بیشتر دانش‌آموزان می‌شود و اوقات شیطنت آن‌ها در راهروی مدارس را کوتاه‌تر می‌کند.

متأسفانه مشابه این طرح برای دوره دبستان هنوز طراحی نشده است. درحقیقت، ما در دوره مهدکودک و کلاس اول با بحران مواجه هستیم و به همین دلیل من بخش جدیدی را در فصل سوم اضافه کرده‌ام. در این بخش مهدکودک و پایه اول دبستان را بررسی کرده، به معضل قبولی یا مردودی و مشکلاتی که در مدارس آمریکا به وجود آورده است، می‌پردازیم.

۱. Block Scheduling: برنامه‌ای که در آن دانش‌آموزان، کلاس‌های کمتر اما با طول زمان بیشتری دارند (برای مثال ۹۰ دقیقه به جای ۵۰ دقیقه) - م.

در رابطه با رسانه‌ها باید گفت که درصد تولید برنامه‌های نامناسب برای کودکان بالا رفته است. هر هفته با موضوعات جنجالی و ناهنجاری‌های تازه‌ای در تلویزیون مواجه می‌شویم. برنامه‌هایی با محتوای نامناسب، حاوی صحنه‌های برهنگی و رفتارهای ناهنجار، به راحتی در ساعات اولیه شب پخش می‌شوند. علاوه بر این، درست زمانی که تعداد برنامه‌های مناسب برای کودکان کاهش یافته، برنامه‌های بزرگسالان بیشتر شده است. بنابراین، در این فصل بخش جدیدی را معرفی نخواهم کرد و در عوض نمونه‌هایی از برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌ها، کتاب‌ها، موسیقی و مجلاتی را که تهدیدی برای رشد و پیشرفت سالم خواهند بود، بررسی می‌کنم.

در فصل چهارم، یکی از معدود چراغ‌های روشن در افق رسانه را بررسی خواهم کرد: مجموعه داستان‌های هری پاتر<sup>۱</sup>. از نظر من، موفقیت این مجموعه به خوبی از ضرورت تولید محتوای مناسب برای کودکان حمایت می‌کند. برخلاف بسیاری از بازی‌های تلویزیونی و کامپیوتری، هری پاتر دنیای خیال کودکان را به چالش می‌کشد و با ترفندهای بی نظیر، نظام استدلالی و احساسی کودکان را درگیر می‌کند. موفقیت این مجموعه گواه این واقعیت است که با وجود فناوری‌های خارق‌العاده، کودکان هنوز هم شیفته جادوی یک داستان خوب می‌شوند.

### فشارهای جدید

اگر فشارهای گذشته بر کودکان و بزرگسالان کافی نبوده، حضور همه‌جانبه کامپیوتر، تحقیقات جدید روی مغز و استفاده بسیار از اینترنت به بار فشارها در زمینه بلوغ زودرس احساسی، فکری و رفتاری کودکان افزوده است. اگرچه نوآوری در حیطه تکنولوژی مزیت‌های بسیاری دارد، برخی اوقات از والدین با فروش برنامه‌هایی به آن‌ها که برای کودکانشان مناسب نیستند، سوءاستفاده

---

1. Harry Potter

می‌شود. بر این اساس، فصل جدیدی را درباره مؤلفه‌های شتاب‌زدگی، کامپیوترها، تحقیقات مغز و اینترنت به این کتاب اضافه می‌کنم. در این فصل به شما نشان خواهم داد که چگونه از این فناوری‌ها در جهت اجبار والدین و فرزندان برای درگیری در فعالیت‌هایی که نه تنها سودمند نیستند، بلکه خطرهای جدی در پی دارند، استفاده می‌شود.

درواقع ترکیب فناوری جدید و بسیاری از شگفتی‌های دیگر جهان مدرنیته، دنیا را به مکانی عجیب و غریب بدل کرده است. ما برخلاف سایر نسل‌ها قادریم جهان هستی را به شیوه خود تجربه کنیم. علی‌رغم تمام مزایا، این فناوری‌ها و فرصت‌های نوچالش‌های جدیدی را، هم برای والدین و هم برای فرزندان، به وجود می‌آورند. تنها کافی است این امر را باور داشته باشیم که عقل سلیم همواره درست عمل می‌کند. کودکان باید با سرعت مناسب و به قدر توانایی‌هایشان با شگفتی‌های این دنیا روبه‌رو شوند. تنها در این صورت است که از کاربرد فناوری و مزایای آن لذت خواهند برد.

از آنجا که یک دهه از نوشتن این کتاب می‌گذرد، مقدمه پیش رو نشان می‌دهد که تا چه حد اوضاع در خصوص شتاب‌زدگی رشد کودکان تغییر کرده است.



## مقدمه‌ای بر نسخه ویرایش شده

وقتی تقریباً یک دهه پیش کودک شتابزده را می‌نوشتم، سعی می‌کردم موضوع جدیدی را به تصویر بکشم. تحولی که در رفتار با کودکان در حال شکل گرفتن بود، به اندازه تغییر در رفتار با زنان و اقلیت‌ها مهم و دور از دسترس تلقی می‌شد. مدت زیادی از وقوع این دگرگونی‌ها می‌گذشت و از آنجاکه هیچ جنبش مشخصی برای پیگیری آن‌ها وجود نداشت، طبیعتاً اطلاعاتی از جزئیاتشان نیز در دست نبود.

بعدها، در کتاب‌های بزرگ شدند ولی به جایی نرسیدند<sup>۱</sup> و آموزش غلط: خطری برای پیش‌دستانی‌ها<sup>۲</sup>، نوشتم که چگونه تغییر رفتار ما در قبال نوجوانان و کودکان زندگی را به جای آنکه برای آنان آسان‌تر کند، سخت‌تر کرده است. همچنین نوشتم ما با حذف تدریجی محدودیت‌ها و مرزهای فکری و عملی سن‌محور، نوجوانان را گمراه کرده‌ایم. در واقع، ما نوجوانان و کودکان را با آموختن محتوای نامناسب، در زمانی اشتباه و بدون هدف مشخص، درگیر «آموزش غلط» کرده‌ایم. در دو کتابی که پیش از این نام بردم، همانند کودک شتابزده، هدف من تنها اثبات تحول در ارتباط ما با جوانان نبود، بلکه می‌خواستم نشان دهم که چگونه فرزندان ما تاوان انقلاب‌های اجتماعی در دهه ۶۰ میلادی را می‌دهند.

- 
1. All Grown Up and No Place to Go
  2. Miseducation: Preschoolers at Risk

در کودک شتابزده نوزدهم که در دورهٔ پساصنعتی در آمریکا، برداشت‌های رایج از کودکان نظیر لوح خالی یا گیاه درحال‌رشد، دیگر منسوخ شده است. در آنجا توضیح دادم که تصور جدیدی از کودکان درحال شکل‌گیری است که شتاب‌زدگی رشد را باید با توجه به این تصویر بررسی کنیم. اگرچه در آن زمان مفهوم واقعی این تصویر را درک نکرده بودم، اکنون با آن آشنایی دارم. برداشت جدید ما از کودکان و نوجوانان به سمت مفاهیمی نظیر کودک برتر و آبر کودک<sup>۱</sup> منحرف شده است. به عبارتی، این انتظار می‌رود که آبر کودک - حتی اگر نوزاد باشد - همانند «سوپرمن»<sup>۲</sup> قدرت و توانمندی‌های خارق‌العاده‌ای داشته باشد. همین رویکرد باعث شده است در امر رشد و شکوفایی کودکان شتاب‌زدگی کنیم.

بخشی از علت تغییر رفتار ما نسبت به زنان و اقلیت‌ها نیز همین تعاریف جدید از توانایی‌هایشان بوده است. تصویر قدیمی از توانمندی‌های زنان و اقلیت‌ها آن‌ها را به انزوا کشاند. بنابراین، برداشت‌های جدید جای آن‌ها را گرفتند؛ اما قضیه در مورد کودکان متفاوت است. تصور قبلی ما از کودکان به عنوان موجوداتی درحال‌رشد و نیازمند مراقبت و راهنمایی منجر به یک همبستگی اجتماعی شد که بهبود آموزش و پرورش کودکان را در پی داشت. نتایج ثمربخش این تلاش‌ها وضع قوانین کار کودکان، آموزش اجباری، واکسیناسیون جهانی، قانون کمک به کودکان وابسته<sup>۳</sup> و برنامهٔ WIC<sup>۴</sup> بود که به تغذیهٔ زنان باردار و کودکان فقیر رسیدگی می‌کند. در دههٔ ۵۰ میلادی، دیدیم که فرزندان ما نسبت به هر زمان دیگری در تاریخ سالم‌تر و تحصیل‌کرده‌تر بودند. مطمئناً تبعیض و نابرابری در شرایط تحصیل و فرصت‌ها همچنان وجود

1. Superkid

2. Superman

۳. Aid to Dependent Children: به‌موجب این قانون، دولت آمریکا به کودکان خانواده‌های کم‌درآمد یا بی‌درآمد کمک می‌کند - م.

4. Special Supplemental Nutrition Program for Women, Infants, and Children (WIC)

داشت که ماحصل الگوهای گسترده تری از تبعیض علیه اقلیت‌ها و زنان بود و به‌طورخاص، کودکان را هدف نمی‌گرفت. بنابراین، تصویر جدید ما از کودکان و نوجوانان به‌عنوان کسانی که آماده‌اند تا با تمام ناملایمات زندگی روبه‌رو شوند، به هدف بهبود اوضاع خودشان به‌وجود نیامد؛ بلکه تصویر جدید از توانایی‌های کودکان و شتاب‌زدگی آنان در بزرگ شدن، پیش‌زمینه‌ای بود برای تغییراتی که در جامعه بزرگسالان رخ داد.

طلاق، کودک تک‌سرپرست، پدر و مادر شاغل و خانواده ناتی به‌هنگار طبقه متوسط تبدیل شد. تصور اینکه فرزندان به‌عنوان موجوداتی درحال‌رشد به محافظت و راهنمایی نیازمندند، مایه اضطراب و عذاب وجدان والدین بود. برای پدر و مادر امروزی، فرزندآوری می‌تواند با شاغل بودن، ازدواج مجدد، وفاداری به فرزندان حاصل از ازدواج‌های قبلی یا حتی حفظ استانداردهای متوسط زندگی در تضاد باشد. سبک جدید زندگی، امکان رشد و بالندگی فرزندان در سایه محبت و حمایت خانواده را مشکل کرده است. باوجوداین، بسیاری از والدینی که به سبک امروزی زندگی می‌کنند، هنوز هم بیشتر به روش‌های سنتی تربیت کودکان پایبند هستند. بر اساس این ارزش‌ها، اگر می‌خواهیم پتانسیل‌های کامل فکری، شخصی و اجتماعی فرزندان شکوفا شوند، حتماً باید یکی از والدین در دوران کودکی آن‌ها در خانه بماند. بنابراین، امروزه بسیاری از والدین برای سپردن فرزندان کوچک خود به دیگران و ترک خانه در طول روز احساس گناه می‌کنند. پرورش کودکان مستقل تنها راهکار مؤثر برای والدینی بود که عاشق فرزندانشان هستند، اما وقت و انرژی کافی برای آن‌ها ندارند.

پرورش آبر کودک، جدا از جنبه توانمندی‌هایش، راهکاری برای کاهش اضطراب و گناه والدین است. تَوْهْم کودک توانمند، نه تنها بی‌عدالتی و تبعیض را درمورد آن‌ها کم نکرده، بلکه تأثیر منفی نیز داشته است. درحقیقت، امروزه کودکان در آمریکا (حتی کودکانی که در خانواده‌های مرفه به دنیا آمده‌اند) نسبت به چند دهه قبل آسایش کمتری دارند.

نگاهی به آمار به‌خوبی این قضیه را روشن می‌سازد. مرگ و میر نوزادان، پس از گذشت بیش از یک قرن که حالت نزولی داشت، دوباره رو به افزایش است. نسبت به دو دهه قبل، کودکان بیشتری در فقر زندگی می‌کنند. طی بیست سال گذشته، میزان چاقی در کودکان و نوجوانان پنجاه درصد افزایش یافته است. میزان خودکشی و قتل در نوجوانان نسبت به بیست سال گذشته سه‌برابر شده است. از نظر آموزشی، سطح نمرات اس‌ای تی<sup>۱</sup> کاهش یافته و خنده‌دار است که بگوییم حدود پانزده تا بیست درصد کودکان در مهدکودک «مردود» می‌شوند. از همه وحشتناک‌تر شاید این باشد که امروزه در آمریکا، میلیون‌ها کودک تحت مداوا قرار می‌گیرند تا در مدرسه و خانه قابل‌کنترل و سر‌به‌راه باشند؛ این موضوع در پنج سال گذشته افزایش چند صد برابری را نشان می‌دهد. حال می‌بینیم که ایده آبر کودکی برای کودکان به همراه نداشته است.

همه این مسائل نسبت به ده سال قبل که این کتاب را نوشتم، برای من روشن‌تر شده است. تمام دغدغه من در آن روزها نشان دادن این مسئله بود که کودکان به‌قدر بزرگسالان متحمل استرس و فشار شده‌اند. در واقع، هدف من هشیار کردن والدین، مربیان و متخصصان حوزه سلامت بود تا استرس را به‌عنوان عامل اصلی مشکلات یادگیری و عاطفی بشناسند. من به‌سادگی تصور می‌کردم که آنچه می‌نویسم شاید ما را به درک توانمندی کودکان و نوجوانان در راستای رشد و پیشرفت انسانی نزدیک کند.

اکنون بعد از سال‌ها سخنرانی، نوشتن و مصاحبه می‌دانم که چنین تلاش‌هایی مفهوم غالب توانمندی کودک را تغییر نخواهد داد. مفهوم توانمندی کودک به قدری مبتنی بر عملکرد است که نمی‌توان با اتکا به تحقیقات، تجربه بالینی و نظر متخصصان، ماهیت آن را غلط و ناسالم پنداشت. در حال حاضر در این دوره تاریخی دهه‌های ابتدایی انقلاب صنعتی، کودکان به‌طور ناخواسته در حال قربانی شدن در راه تحولات اجتماعی هستند.

۱. SAT: یکی از دو امتحان استاندارد برای ورود به دانشگاه در آمریکا - م.

ما در چنین مواقعی نه تنها قدرت قضاوت خود را از دست می‌دهیم، بلکه شواهد بی‌اعتبار را به راحتی می‌پذیریم و خلاف آن را رد می‌کنیم. مثال خوبی از انکار شواهد مقاله‌ای است که اخیراً در مجله نیویورک تایمز<sup>۱</sup> درخصوص مضرات آموزش خواندن در سنین بسیار پایین چاپ شد. مقاله با مروری بر مطالعات مهم در مورد عملکرد مغز و خواندن شروع می‌شود. همه محققان خواندن را فرآیندی فوق‌العاده پیچیده می‌دانند که برای شروع آن و درک نشانه‌ها، مغز باید به رشد کافی رسیده باشد. بنابراین، تمام شواهد علمی موجود علیه خواندن در سنین پایین است. گلن دمان<sup>۲</sup>، فیزیوتراپ و مربی نوزادان و کودکان، در این مقاله بیشتر به مضرات رشد شتاب‌زده مغز و آموزش‌های زود هنگام می‌پردازد. ما منابع معتبر را برای شنیدن و خواندن آنچه دوست داریم دنبال می‌کنیم و اغلب حقایق علمی را نادیده می‌گیریم.

حتی گاهی این حقایق برای آنکه به مذاق خوش بیایند، دست‌کاری و تحریف می‌شوند. اخیراً برخی از محققان ادعا کرده‌اند که تغییرات ضربان قلب جنین نشان می‌دهد که او می‌تواند بین صدای مادر و سایر صداها تفاوت قائل شود. همین کافی بود تا برخی شروع به ساخت برنامه‌های آموزشی و راه‌اندازی «دانشگاه آمادگی پیش از تولد» کنند. در این دوره‌ها، به مادران توصیه می‌شود در زمان بارداری برای جنین‌شان آثار شکسپیر را بخوانند و برایشان موزارت پخش کنند. آن‌ها مدعی‌اند که این تحریکات ضریب هوشی کودک را تقویت کرده، توانمندی‌های او را افزایش می‌دهد. حتی دستگاهی به نام «پریگافون»<sup>۳</sup> را ابداع کردند، مکنده‌ای پلاستیکی که با شلنگ پلاستیکی به مکنده کوچک تری وصل شده است، که با اتصال به شکم مادر، صدای او را واضح‌تر به نایبغه داخل رحمش می‌رساند!

وقتی به آمریکا و ارزش‌های مادی دهه ۸۰ آن فکر می‌کنیم، متوجه

---

1. New York Times Magazine

2. Glen Doman

3. Pregaphone

می‌شویم که چرا آن زمان بحث توانمندی کودکان تا این حد داغ شده بود. در واقع، حقهٔ توانمندی مانند آبی روی آتش اضطراب و عذاب وجدان والدین و نیز پولی در جیب تجارت آمریکایی بود. مقولهٔ ابرکودک رازهای پشت پردهٔ سودجویی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها را فاش کرد. سیستم آموزشی با تلاش‌های بی‌فایده‌ای نظیر افزایش برنامه‌های درسی، افزایش روزها و ساعات مدارس و میزان تکالیف دانش‌آموزان قصد داشت تا توانمندی بلااستفادهٔ ابرکودک را به کار گیرد.

به‌طور خلاصه، توانمندی کودکان به بخشی از طرز تفکر ما بدل شده است، زیرا رد پای آن را در بسیاری از بخش‌های جامعهٔ آمریکایی می‌توانیم ببینیم و بدیهی است که ترویج آن نه تنها هیچ سودی برای کودکان ندارد، بلکه بی‌شک باعث استرس و اضطراب کودکان و نوجوانان نیز می‌شود.

متأسفانه کودکان به رسانه دسترسی ندارند و نمی‌توانند رأی بدهند. در واقع، آن‌ها هیچ قدرتی برای بهبود شرایط خود ندارند. واضح است که کودکان به حمایت و پشتیبانی بزرگسالان نظیر آنچه من با نوشتن این کتاب انجام می‌دهم، نیازمند هستند. متأسفانه، امروزه نیاز به حمایت از کودکان بیشتر از زمانی که این کتاب را برای اولین بار منتشر کردم، حس می‌شود.

آنچه بیشتر در مورد مفهوم توانمندی کودکان نگران‌کننده به نظر می‌رسد، پذیرش استرس و فشار بر آن‌ها به عنوان امری «عادی» و حتی «مفید» است. اگرچه عادی‌سازی آن با توجه به واکنش طبیعی انسان برای مقابله با مشکلات را می‌توان درک کرد، اما خود این موضوع به بار اضطراب کودکان و نوجوانان می‌افزاید.

از این منظر، اولین هدف من در نسخهٔ ویرایش شده، به‌روزرسانی برخی از فصل‌ها، مثال‌ها و آمارهاست تا به شواهدی اشاره کنم که نشان می‌دهند با ورود به دههٔ ۹۰ میلادی، کودکان با همان سرعتی که در اواخر دههٔ ۷۰ و ۸۰ میلادی داشتند، در مسیر شتاب‌زدگی قرار دارند. هدف دوم من، پرده‌برداری از عواملی است که سعی دارند وجود فشارها و استرس‌ها را انکار کنند. ما نمی‌توانیم زمان